الزامات فرهنگی بسط فرهنگ انفاق در جامعه

با تاکید بر ایام همه­گیری کوویدِ 19

مسعود زین­العابدین؛ دانشجوی دکتری فلسفه و کلام اسلامی دانشگاه شهید رجایی

دکتر علی­اکبر عبدل­آبادی؛ عضو هیأت علمی دانشکدۀ الهیّات و ادیان در دانشگاه شهید بهشتی

چکیده

در فرهنگ قرآنی، مفهوم «انفاق» از جملۀ مفاهیم کلیدی و اساسی­ای محسوب می­شود که در همۀ ایّام، به­ویژه در دوران ابتلائاتی چون کوویدِ 19 کارکرد فراوانی در ایجاد انسجام اجتماعی و بسط عدالت اجتماعی و دستگیری از کسانی که به مشکلات اقتصادی دچارند، دارد. مفهومِ «انفاق» جایگاه مهمّی در ساختمان معناییِ مفاهیمی چون ایمان، تقوا، احسان و اِخبات دارد. بر اساس آیات قرآن، فرهنگِ انفاق الزاماتی دارد که عبارتند از اینکه انفاق باید در راه خدا و مبتنی بر انگیزه­های ایمانی، به دور از منّت و اذیّت و ریا، مبتنی بر اعتدال، به­موقع و سریع، پنهانی، مبتنی بر نگاه توحیدی، و با همۀ امکانات، ولو واسطه­گری، باشد و از طیّب­ها و محبوب­ها انفاق شود. همچنین، کارکردهایی بر انفاق مترتّب­اند که شامل بازگردانده شدن کامل (توفیۀ) مال انفاق­شده، مُضاعَف شدن مال، اجر عظیم، مغفرت، فضل، رحمت خدا، بی­خوفی و بی­حزنی، تکفیر گناهان، ایتای حکمت، عاقبت نیکو و بهشت است. حرصِ مال، بخل، ترس از فقر، تنگ­نظری، باورهای خطا و مسؤولیّت­ناپذیری، دوری از ذکر خدا و تعلّق شدید به اموال و اولاد، تکبّر و فخرفروشی نیز موانع عمدۀ روانی و تربیتیِ انفاق محسوب می­شوند.

واژه­های کلیدی:

انفاق، بخل، کوویدِ 19، فرهنگ، کرونا، ایمان، تقوا.

بیان مسأله

همه­گیری کوویدِ 19 از جملۀ تحوّلات خاص در جامعۀ بشری در عصر حاضر است که در ابعاد گسترده­ای بر زندگی بشر تاثیر گذاشته است. این همه­گیری با تعطیلی گستردۀ مشاغل و کسب­و­کارها، تغییر الگو و سبک زندگی انسان­ها، کاهش ارتباطات و تعاملات چهره­به­چهره و افزایش سیطرۀ فضای مجازی بر زندگی بشر، تاثیرات زیادی بر الگوی زیست انسان­ها نهاده است. از جملۀ مشکلاتِ ناشی از این همه­گیری، مشکلات اقتصادی­ای است که برای انسان­ها ایجاد شده اند. قرنطینه­های مستمِر، کاهش درآمد و قدرت خرید مردم، مشکلات اقتصادی و نابودیِ برخی کسب­و­کارها سبب شده است که مشکلاتی اقتصادی در اکثر کشورها ایجاد شوند. در فرهنگ قرآنی، مفهومِ «انفاق» از جملۀ مفاهیم کلیدی و اساسی­ای محسوب می­شود که در همۀ ایّام، به­ویژه در دوران ابتلائاتی چون کوویدِ 19، کارکرد فراوانی در ایجاد انسجام اجتماعی و بسط عدالت اجتماعی و دستگیری از کسانی که به مشکلات اقتصادی دچارند، دارد. در جامعۀ ایرانی نیز همزمان با آغاز این همه­گیری، جلوه­های متنوّع و تاثیرگذاری از این فرهنگ به دست آحاد مردم به نمایش گذاشته شد. بر تصمیم­گیران و متولّیان فرهنگی کشور لازم است که با معرّفی و گسترش این فرهنگ قرآنی، هم گام­های بلندی برای رفع بخشی از مشکلات طبقۀ محروم جامعه بردارند و هم، از این رهگذر، به افزایش انسجام اجتماعی و توسعه و ترویج فرهنگ انفاق در جامعه بپردازند.

ما در این مقاله، همۀ آیاتی را که ریشۀ «ن ف ق» در آن به کار رفته است، احصا کرده­ایم و کوشیده­ایم که، با استفاده از روشِ «معناشناسی (تحلیل معناشناختی)»، ساختمان معناییِ «انفاق» و مفاهیم مرتبط با آن را شناسایی کنیم و الزامات فرهنگیِ انفاق را با استفاده از آیات قرآن استخراج و بیان کنیم.

معنای « انفاق» در قرآن

انفاق یکی از فضیلت­های اخلاقی اصلی است که در قرآن توجّه زیادی به آن شده است. انفاق عبارت است از بذل مال و عدم تعلّق به آن، حال چه بذل مال در قالب پرداخت­های واجب مثل زکات و خمس و... باشد، و چه بذل ماه در قالب پرداخت­های مستحب مثل صدقه؛ چرا که در قرآن، نفقه[[1]](#footnote-1) و مهریه[[2]](#footnote-2) زنان نیز تحت عنوان انفاق آمده است.

واژۀ «انفاق» و مشتقّاتش 82 بار به صورت­های مختلف در قرآن به کار رفته است. خدا همواره مردم را به انفاق در راه خود تشویق و ترغیب کرده است. به عنوان مثال، در آیه­ای از قرآن آمده است:

يا أَيُّهَا الَّذينَ آمَنُوا أَنْفِقُوا مِمَّا رَزَقْناكُمْ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَ يَوْمٌ لا بَيْعٌ فيهِ وَ لا خُلَّةٌ وَ لا شَفاعَةٌ وَ الْكافِرُونَ هُمُ الظَّالِمُونَ؛ اى كسانى كه ايمان آورده‏ايد، از آنچه به شما روزى داده‏ايم انفاق كنيد، پيش از آن­كه روزى فرا رسد كه در آن نه داد و ستدى هست و نه دوستى و نه شفاعتى؛ و كافران خود ستمكارانند.(بقره:254)

در آیه­ای دیگر، درباره عواقب اطاعت نکردن از این دستور چنین آمده است:

يا أَيُّهَا الَّذينَ آمَنُوا إِنَّ كَثيراً مِنَ الْأَحْبارِ وَ الرُّهْبانِ لَيَأْكُلُونَ أَمْوالَ النَّاسِ بِالْباطِلِ وَ يَصُدُّونَ عَنْ سَبيلِ اللَّهِ وَ الَّذينَ يَكْنِزُونَ الذَّهَبَ وَ الْفِضَّةَ وَ لا يُنْفِقُونَها في‏ سَبيلِ اللَّهِ فَبَشِّرْهُمْ بِعَذابٍ أَليمٍ ؛ اى كسانى كه ايمان آورده‏ايد، بسيارى از دانشمندان يهود و راهبان، اموال مردم را به­ناروا مى‏خورند، و [آنان را] از راه خدا باز مى‏دارند، و كسانى كه زر و سيم را گنجينه مى‏كنند و آن را در راه خدا هزينه نمى‏كنند، ايشان را از عذابى دردناك خبر ده.(توبه:34)

یکی از راه­های دریافت معنای انفاق در قرآن، بررسی مقابل معنایی آن است. «بخل» مقابلی است که در آیات قرآن در برابر انفاق آمده است و آیات قرآن به­شدّت از آن نهی کرده­اند. به عنوان مثال، در قرآن می­خوانیم:

وَ لا يَحْسَبَنَّ الَّذينَ يَبْخَلُونَ بِما آتاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ هُوَ خَيْراً لَهُمْ بَلْ هُوَ شَرٌّ لَهُمْ سَيُطَوَّقُونَ ما بَخِلُوا بِهِ يَوْمَ الْقِيامَةِ وَ لِلَّهِ ميراثُ السَّماواتِ وَ الْأَرْضِ وَ اللَّهُ بِما تَعْمَلُونَ خَبيرٌ؛ و كسانى كه به آنچه خدا از فضل خود به آنان عطا كرده، بخل مى‏ورزند، هرگز تصوّر نكنند كه آن [بخل‏] براى آنان خوب است، بلكه برايشان بد است. به­زودى آنچه به آن بخل ورزيده‏اند، روز قيامت طوق گردنشان مى‏شود. ميراث آسمان­ها و زمين از آنِ خداست، و خدا به آنچه مى‏كنيد آگاه است.(آل عمران:180)

بخل در آیات دیگری هم تبیین شده است[[3]](#footnote-3) که از ذکر آنها خودداری می­کنیم و به ذکر این نکته بسنده می­کنیم که در این آیات، بخل به معنای خودداری از بذل مال آمده است و از عواقب شوم آن انذار داده شده است.

با این مقدّمه، اکنون به بررسی این پرسش می­پردازیم که، بر اساس آیات قرآن، انفاق باید چگونه انجام شود؟

الزامات فرهنگ انفاق در قرآن

انفاق؛ فقط در راه خدا

انفاق فقط در صورتی پذیرفته است که در راه خدا و برای کسب رضایت او انجام شود، وگرنه نیّت­های انحرافی­ای چون کسب جایگاه و محبوبیّت اجتماعی یا کاربردهای نامشروعی چون انفاق برای امور غیرشرعی، هیچ اجر و پاداشی به همراه ندارد. این نکته در آیۀ زیر بیان شده است:

لَّيْسَ عَلَيْكَ هُدَئهُمْ وَ لَكِنَّ اللَّهَ يَهْدِى مَن يَشَاءُ وَ مَا تُنفِقُواْ مِنْ خَير فَلِأَنفُسِكُمْ وَ مَا تُنفِقُونَ إِلَّا ابْتِغَاءَ وَجْهِ اللَّهِ وَ مَا تُنفِقُواْ مِنْ خَير يُوَفَّ إِلَيْكُمْ وَ أَنتُمْ لَا تُظْلَمُونَ ؛ هدايتِ آنان بر عهدۀ تو نيست، بلكه خدا هر كه را بخواهد هدايت مى‏كند، و هر مالى كه انفاق كنيد، به سود خود شماست، و [لى‏] جز براى طلب خشنودىِ خدا انفاق مكنيد، و هر مالى را كه انفاق كنيد [پاداشِ آن‏] به طور كامل به شما داده خواهد شد و ستمى بر شما نخواهد رفت.(بقره:272)

نقش انگیزه­های شخص انفاق­کننده در انفاق

طبق آیات قرآن، فقط انفاقی پذیرفتنی است که مؤمنان انجامش دهند؛ یعنی، انگیزه­های شخص منفق در قبول یا ردّ انفاق موثّرند. به عنوان مثال، در آیۀ زیر از مردود بودن انفاق کفّار سخن رفته است:

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُواْ لَن تُغْنى عَنْهُمْ أَمْوَالُهُمْ وَ لَا أَوْلَادُهُم مِّنَ اللَّهِ شَيْا وَ أُوْلَئكَ أَصحْابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ \* مَثَلُ مَا يُنفِقُونَ فىِ هَذِهِ الْحَيَوةِ الدُّنْيَا كَمَثَلِ رِيحٍ فِيهَا صرِّ أَصَابَتْ حَرْثَ قَوْمٍ ظَلَمُواْ أَنفُسَهُمْ فَأَهْلَكَتْهُ وَ مَا ظَلَمَهُمُ اللَّهُ وَ لَكِنْ أَنفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ ؛ كسانى كه كفر ورزيدند، هرگز اموالشان و اولادشان چيزى [از عذاب خدا] را از آنان دفع نخواهد كرد، و آنان اهل آتشند و در آن جاودانه خواهند بود \* مثَل آنچه [آنان‏] در زندگى اين دنيا [در راه دشمنى با پيامبر] خرج مى‏كنند، همچون مثلِ بادى است كه در آن، سرماى سختى است كه به كشت­زار قومى كه بر خود ستم نموده‏اند، بوزد و آن را تباه سازد و خدا به آنان ستم نكرده، بلكه آنان خود بر خويشتن ستم كرده‏اند\*(آل عمران:117-116)

می­بینیم که در آیۀ فوق، انفاق کافران بی­ارزش دانسته شده است. در آیۀ دیگری انفاق آنان مایۀ حسرت و اندوهشان دانسته شده است[[4]](#footnote-4)، یا در آیۀ دیگری به صراحت بیان شده که انفاق فاسقان پذیرفته نمی­شود[[5]](#footnote-5).

انفاق؛ به دور از منّت، اذیّت و ریا

منّت، اذیّت و ریا سه آفتی­اند که خاصّیّت و اثر انفاق را از بین می­برند، چرا که انفاق باید کریمانه باشد. این نکته در آیات زیر آمده است:

الَّذِينَ يُنفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ فىِ سَبِيلِ اللَّهِ ثُمَّ لَا يُتْبِعُونَ مَا أَنفَقُواْ مَنًّا وَ لَا أَذًى لَّهُمْ أَجْرُهُمْ عِندَ رَبِّهِمْ وَ لَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَ لَا هُمْ يَحْزَنُونَ \* قَوْلٌ مَّعْرُوفٌ وَ مَغْفِرَةٌ خَيرْ مِّن صَدَقَةٍ يَتْبَعُهَا أَذًى وَ اللَّهُ غَنى حَلِيمٌ \* يَأَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُواْ لَا تُبْطِلُواْ صَدَقَاتِكُم بِالْمَنّ‏ وَ الْأَذَى‏ كاَلَّذِى يُنفِقُ مَالَهُ رِئَاءَ النَّاسِ وَ لَا يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَ الْيَوْمِ الاَخِرِ فَمَثَلُهُ كَمَثَلِ صَفْوَانٍ عَلَيْهِ تُرَابٌ فَأَصَابَهُ وَابِلٌ فَتَرَكَهُ صَلْدًا لَّا يَقْدِرُونَ عَلىَ‏ شىَ‏ءٍ مِّمَّا كَسَبُواْ وَ اللَّهُ لَا يَهْدِى الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ \* وَ مَثَلُ الَّذِينَ يُنفِقُونَ أَمْوَالَهُمُ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ وَ تَثْبِيتًا مِّنْ أَنفُسِهِمْ كَمَثَلِ جَنَّةِ بِرَبْوَةٍ أَصَابَهَا وَابِلٌ فَاتَتْ أُكُلَهَا ضِعْفَينْ‏ فَإِن لَّمْ يُصِبهْا وَابِلٌ فَطَلٌّ وَ اللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ \* أَ يَوَدُّ أَحَدُكُمْ أَن تَكُونَ لَهُ جَنَّةٌ مِّن نَّخِيلٍ وَ أَعْنَابٍ تَجْرِى مِن تَحْتِهَا الْأَنْهَرُ لَهُ فِيهَا مِن كُلّ‏ الثَّمَرَاتِ وَ أَصَابَهُ الْكِبرَ وَ لَهُ ذُرِّيَّةٌ ضُعَفَاءُ فَأَصَابَهَا إِعْصَارٌ فِيهِ نَارٌ فَاحْترَقَتْ كَذَالِكَ يُبَينِ‏ اللَّهُ لَكُمُ الاَيَاتِ لَعَلَّكُمْ تَتَفَكَّرُونَ ؛ كسانى كه اموالِ خود را در راه خدا انفاق مى‏كنند، سپس در پىِ آنچه انفاق كرده‏اند، منّت و آزارى روا نمى‏دارند، پاداش آنان برايشان نزد پروردگارشان [محفوظ] است، و بيمى بر آنان نيست و اندوهگين نمى‏شوند \* گفتارى پسنديده [در برابر نيازمندان‏] و گذشت [از اصرار و تندىِ آنان‏] بهتر از صدقه‏اى است كه آزارى به دنبال آن باشد، و خداوند بى‏نياز بردبار است \* اى كسانى كه ايمان آورده‏ايد، صدقه‏هاى خود را با منّت و آزار، باطل مكنيد، مانند كسى كه مالش را براى خودنمايى به مردم، انفاق مى‏كند و به خدا و روز بازپسين ايمان ندارد. پس، مَثَلِ او همچون مَثَلِ سنگ خارايى است كه بر روى آن خاكى [نشسته‏] است، و رگبارى به آن رسيده و آن [سنگ‏] را سخت و صاف بر جاى نهاده است. آنان [رياكاران‏] نيز از آنچه به دست آورده‏اند، بهره‏اى نمى‏برند و خداوند گروه كافران را هدايت نمى‏كند \* و مَثَل [صدقات‏] كسانى كه اموال خويش را براى طلب خشنودى خدا و استوارى روحشان انفاق مى‏كنند، همچون مَثَلِ باغى است كه بر فراز پشته‏اى قرار دارد [كه اگر] رگبارى بر آن برسد، دو چندان محصول برآورد، و اگر رگبارى هم بر آن نرسد، بارانِ ريزى [براى آن بس است‏]، و خداوند به آنچه انجام مى‏دهيد بيناست \* آيا كسى از شما دوست دارد كه باغى از درختان خرما و انگور داشته باشد كه از زير آنها نهرها روان است، و براى او در آن [باغ‏] از هر گونه ميوه‏اى [فراهم‏] باشد، و در حالى كه او را پيرى رسيده و فرزندانى خردسال دارد، [ناگهان‏] گردبادى آتشين بر آن [باغ‏] زند و [باغ يكسر] بسوزد؟ اين گونه، خداوند آيات [خود] را براى شما روشن مى‏گرداند، باشد كه شما بينديشيد\*(بقره:266-262)

آیه کاملاً واضح است و نیاز به هیچ تبیینی ندارد. در این آیه منّت و اذیّتِ پس از انفاق و نیز ریا سه چیزی­اند که در انفاق نهی شده­اند.

اعتدال در انفاق

از جملۀ مواردی که در انفاق باید بدانها توجّه کرد، رعایت اعتدال است؛ یعنی، انفاق باید نه مسرفانه باشد و نه بخیلانه. در آیه­ای از قرآن می­خوانیم:

وَ الَّذينَ إِذا أَنْفَقُوا لَمْ يُسْرِفُوا وَ لَمْ يَقْتُرُوا وَ كانَ بَيْنَ ذلِكَ قَواماً؛ و كسانى‏اند كه چون انفاق كنند، نه ولخرجى مى‏كنند و نه تنگ مى‏گيرند، و ميان اين دو [روش‏] حدّ وسط را برمى‏گزينند.(فرقان:67)

طبق این آیه، انفاق باید نه مسرفانه و بی­رویّه باشد و نه بخیلانه و تنگ­نظرانه، بلکه باید حدّ وسطی بین این دو را انتخاب کرد.

بهترین انفاق؛ انفاق به­موقع و سریع

یکی دیگر از مواردی که باید در هنگام انفاق رعایت کرد، به­موقع بودن آن است تا بتواند دردی را دوا کند و گرهی را بگشاید و، به تعبیری، نوش­داروی بعد از مرگ سهراب نباشد. به عنوان مثال، به آیۀ زیر توجّه کنید:

وَ ما لَكُمْ أَلاَّ تُنْفِقُوا في‏ سَبيلِ اللَّهِ وَ لِلَّهِ ميراثُ السَّماواتِ وَ الْأَرْضِ لا يَسْتَوي مِنْكُمْ مَنْ أَنْفَقَ مِنْ قَبْلِ الْفَتْحِ وَ قاتَلَ؛ أُولئِكَ أَعْظَمُ دَرَجَةً مِنَ الَّذينَ أَنْفَقُوا مِنْ بَعْدُ وَ قاتَلُوا وَ كُلاًّ وَعَدَ اللَّهُ الْحُسْنى‏ وَ اللَّهُ بِما تَعْمَلُونَ خَبيرٌ ؛ و شما را چه شده كه در راه خدا انفاق نمى‏كنيد و [حال آن­كه‏] ميراث آسمان­ها و زمين به خدا تعلّق دارد؟ كسانى از شما كه پيش از فتح [مكّه‏] انفاق و جهاد كرده‏اند، [با ديگران‏] يكسان نيستند. آنان از [حيث‏] درجه بزرگ­تر از كسانى‏اند كه بعداً به انفاق و جهاد پرداخته‏اند؛ و خداوند به هر كدام وعده نيكو داده است، و خدا به آنچه مى‏كنيد آگاه است.(حدید:10)

این نشان می­دهد که در انفاق هرچه بیش­تر عجله شود، بهتر است و نزد خدا محبوب‏تر است و منزلت و اجرش بيش­تر، چرا که بیش­تر می­تواند شخص انفاق­کننده را به مقصد برساند و در رفع مشکلات مفید افتد. البتّه، انفاقِ دیرتر هم مأجور است، ولی در مقام مقایسه این دو با هم برابر نیستند.

انفاقِ پنهانی بهتر از انفاق آشکارا

یکی دیگر از نکاتی که درباره کیفیّت انفاق بیان شده، این است که انفاقِ پنهانی در مقایسه با انفاق آشکارا بهتر و پسندیده­تر است، چرا که عزّت و آبروی نیازمند را بیش­تر حفظ می­کند و برای خودِ انفاق­کننده هم آثار تربیتی بیش­تری در پی دارد و وی را به غرور دچار نمی­کند. در این باره، به آیۀ زیر توجّه کنید:

إِن تُبْدُواْ الصَّدَقَاتِ فَنِعِمَّا هِىَ وَ إِن تُخْفُوهَا وَ تُؤْتُوهَا الْفُقَرَاءَ فَهُوَ خَيرْ لَّكُمْ وَ يُكَفِّرُ عَنكُم مِّن سَيِّاتِكُمْ وَ اللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ ؛ اگر صدقه‏ها را آشكار كنيد، اين كارِ خوبى است، و اگر آن را پنهان داريد و به مستمندان بدهيد، اين براى شما بهتر است و بخشى از گناهانتان را مى‏زدايد، و خداوند به آ­چه انجام مى‏دهيد آگاه است(بقره:271)

البتّه، انفاق آشکار و پنهان، هر دو، پسندیده­اند و هر دو مأجورند[[6]](#footnote-6).

نگاه توحیدی در انفاق

هر آنچه انسان در حیات دنیوی از آن بهره­مند است، رزقی از جانب خداست و کسی بدون عنایت او نمی­تواند صاحب چیزی شود. اگر بخواهیم دقیق­تر سخن بگوییم، باید گفت که کسی صاحب چیزی نیست، چرا که همه­ی به­اصطلاح دارایی­های ما ، در اصل، متعلَّق به خدایند و وقتی ما چیزی را انفاق می­کنیم، در حقیقت، از مالِ خدا برای تقرّب به خدا انفاق می­کنیم؛ گویی از سرمایۀ کسی برای خودش هدیّه­ای تهیّه کرده­ایم تا مِهر او را جلب کنیم. بر این اساس، در آیاتی که در آنها از انفاق سخن رفته است، بر این نکته تاکید شده که متعلَّق انفاق همواره چیزی است که خدا به شما روزی داده است. پس، به این امر واقف باشید و مبادا ادّعای استقلال کنید و چنین گمان کنید که خودتان مستقلّ از خدا و روزی و توفیق او می­توانید کاری انجام دهید. این نکته را از آیات فراوانی که در آنها تعبیر «مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنفِقُونَ» آمده است، می­توان دریافت.[[7]](#footnote-7)

واسطه­گری در انفاق

یکی دیگر از نکاتی که در قرآن دربارۀ انفاق بیان شده است، واسطه­گری است؛ یعنی، حتّی اگر شخصی خودش تمکّنِ کافی برای انفاق نداشته باشد، با معرّفی نیازمندان به توان­گران می­تواند در انفاق مشارکت جوید. به عنوان مثال، در قرآن می­خوانیم:

يَسْئَلُونَكَ عَنِ الْخَمْرِ وَ الْمَيْسِرِ قُلْ فيهِما إِثْمٌ كَبيرٌ وَ مَنافِعُ لِلنَّاسِ وَ إِثْمُهُما أَكْبَرُ مِنْ نَفْعِهِما وَ يَسْئَلُونَكَ ما ذا يُنْفِقُونَ قُلِ الْعَفْوَ؛ كَذلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمُ الْآياتِ لَعَلَّكُمْ تَتَفَكَّرُونَ ؛ دربارۀ شراب و قمار از تو مى‏پرسند. بگو: «در آن دو، گناهى بزرگ و سودهايى براى مردم است، و[لى‏] گناهشان از سودشان بزرگ­تر است»؛ و از تو مى‏پرسند: «چه چيزى انفاق كنند؟» بگو: «ما زاد [بر نيازمندى خود] را». اين­گونه، خداوند آيات [خود را] براى شما روشن مى‏گرداند، باشد كه در [كار] دنيا و آخرت بينديشيد.(بقره:219)

طباطبایی درباره معنای «عفو» در این آیه می­نویسد:

«كلمۀ (عفو) به طورى كه *راغب* گفته به معناى آن است كه به سوى چيزى خم شوى تا آن را بگيرى؛ اين معناى اصلى كلمۀ نام­برده است، ليكن از آن­جايى كه عنايات مختلفه‏اى در كلام پيدا شد، ناگزير كلمۀ نام­برده را در معانى مختلفه‏اى استعمال كردند، مانند آمرزش، و محو كردن اثر، و واسطه شدن در انفاق، كه همين معناى اخير منظور آيه است»(طباطبائی،1374، ج‏2، ص294)

انفاق از طیّب­ها و محبوب­ها

بعضى از مردم عادت دارند که از اموال بى­ارزش خود و آنچه تقريباً از مصرف افتاده و سودی برای خودشان ندارد، انفاق كنند. چنین انفاق­هایی علاوه بر اينكه سود چندانى به حال نيازمندان ندارد، اهانت و تحقيری دربارۀ آنان است و موجب تربيت معنوى و پرورش روح انسان نيز نمى‏شود.

بر این اساس، در آیه­ای از قرآن به انفاق از طیبّاتِ اموال توصیه شده است:

يَأَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُواْ أَنفِقُواْ مِن طَيِّبَاتِ مَا كَسَبْتُمْ وَ مِمَّا أَخْرَجْنَا لَكُم مِّنَ الْأَرْضِ وَ لَا تَيَمَّمُواْ الْخَبِيثَ مِنْهُ تُنفِقُونَ وَ لَسْتُم بِاخِذِيهِ إِلَّا أَن تُغْمِضُواْ فِيهِ وَ اعْلَمُواْ أَنَّ اللَّهَ غَنى حَمِيدٌ؛ اى كسانى كه ايمان آورده‏ايد، از چيزهاى پاكيزه‏اى كه به دست آورده‏ايد و از آ­نچه براى شما از زمين برآورده‏ايم، انفاق كنيد، و در پى ناپاكِ آن نرويد كه [از آن‏] انفاق نماييد، در حالى كه آن را [اگر به خودتان مى‏دادند] جز با چشم‏پوشى [و بى‏ميلى‏] نسبت به آن، نمى‏گرفتيد، و بدانيد كه خداوند، بى‏نيازِ ستوده [صفات‏] است\*(بقره:267)

همچنین، در آیه­ای دیگر بیان می­شود که اگر می­خواهید به برّ و نیکی برسید، باید چنان خودتان را تربیت کنید که از محبوب­هایتان انفاق کنید و چنین نباشد که چیزی را انفاق کنید که خودتان دوست ندارید و می­خواهید خودتان را از آن راحت کنید:

لَنْ تَنالُوا الْبِرَّ حَتَّى تُنْفِقُوا مِمَّا تُحِبُّونَ وَ ما تُنْفِقُوا مِنْ شَيْ‏ءٍ فَإِنَّ اللَّهَ بِهِ عَليمٌ ؛ هرگز به برّ نخواهيد رسيد تا از آنچه دوست داريد انفاق كنيد و از هر چه انفاق كنيد قطعاً خدا بدان داناست.(آل عمران:92)

افراد مستحِقّ برای دریافت انفاق

اینکه چه کسانی مستحِقّ دریافت انفاق­اند یا در اولویّت دریافت قرار دارند، در آیات قرآن بیان شده ­است. این افراد عبارتند از: نیازمندان واقعی و آبرومند[[8]](#footnote-8)، والدین، نزدیکان، یتیمان، مستمندان و درماندگان.[[9]](#footnote-9)

انفاق فقط پرداخت­های مستحب را شامل نمی­شود

در برخی آیات، از نفقه[[10]](#footnote-10) و مَهریّۀ[[11]](#footnote-11) زنان نیز با عنوانِ «انفاق» یاد شده است و این نشان می­دهد که انفاق صرفاً پرداخت­های مستحب را شامل نمی­شود و پرداخت­های واجب نیز مصداق انفاق­اند.

آثار و نتایج انفاق

از جملۀ اموری که باید در ترویج فرهنگ قرآنی انفاق بدان توجّه کرد، توجّه دادن مردم به آثار و نتایج انفاق است. در برخی آیات قرآن́ آثار و نتایجی برای انفاق در راه خدا برشمرده­ شده­اند که آنها را بیان می­کنیم:

بازگشت کامل (توفیۀ) مال انفاق­شده

قرآن به انفاق­کنندگان وعده­ی قطعی داده است که آنچه در راه خدا می­بخشند، به طور کامل به آنان بازگردانده خواهد شد. در این باره در قرآن می­خوانیم:

وَ أَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَ مِنْ رِباطِ الْخَيْلِ تُرْهِبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَ عَدُوَّكُمْ وَ آخَرينَ مِنْ دُونِهِمْ لا تَعْلَمُونَهُمُ اللَّهُ يَعْلَمُهُمْ وَ ما تُنْفِقُوا مِنْ شَيْ‏ءٍ في‏ سَبيلِ اللَّهِ يُوَفَّ إِلَيْكُمْ وَ أَنْتُمْ لا تُظْلَمُونَ ؛ و هر چه در توان داريد از نيرو و اسب­هاى آماده بسيج كنيد، تا با اين [تداركات‏]، دشمن خدا و دشمن خودتان و [دشمنان‏] ديگرى را جز ايشان- كه شما نمى‏شناسيدشان و خدا آنان را مى‏شناسد- بترسانيد؛ و هر چيزى در راه خدا خرج كنيد، پاداشش [به طور کامل] به خود شما بازگردانيده مى‏شود و بر شما ستم نخواهد رفت.(انفال:60)

همچنین، در قرآن آمده است:

قُلْ إِنَّ رَبِّي يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَنْ يَشاءُ مِنْ عِبادِهِ وَ يَقْدِرُ لَهُ وَ ما أَنْفَقْتُمْ مِنْ شَيْ‏ءٍ فَهُوَ يُخْلِفُهُ وَ هُوَ خَيْرُ الرَّازِقينَ ؛ بگو: در حقيقت، پروردگار من است كه روزى را براى هر كس از بندگانش كه بخواهد، گشاده يا براى او تنگ مى‏گرداند؛ و هر چه را انفاق كرديد، عِوضش را او مى‏دهد و او بهترين روزى­دهندگان است.(سلا:39)

مُضاعَف شدن و وسعت مال

خدا علاوه بر اینکه وعده­ی بازگرداندن کاملِ مال انفاق­شده را به انفاق­کنندگان داده است، بیان کرده که اگر کسی مالش را انفاق کند، دوبرابر و چندبرابر به او بازگردانده خواهد شد و مالش وسعت و ازدیاد خواهد یافت. در این باره در قرآن می­خوانیم:

وَ مَا ذَا عَلَيهْمْ لَوْ ءَامَنُواْ بِاللَّهِ وَ الْيَوْمِ الآخِرِ وَ أَنفَقُواْ مِمَّا رَزَقَهُمُ اللَّهُ وَ كاَنَ اللَّهُ بِهِمْ عَلِيمًا \* إِنَّ اللَّهَ لَا يَظْلِمُ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ وَ إِن تَكُ حَسَنَةً يُضَاعِفْهَا وَ يُؤْتِ مِن لَّدُنْهُ أَجْرًا عَظِيمًا ؛ و اگر به خدا و روز بازپسين ايمان مى‏آوردند و از آنچه خدا به آنان روزى داده، انفاق مى‏كردند، چه زيانى برايشان داشت؟ و خدا به [كارِ] آنان داناست \* در حقيقت، خدا هم‏وزنِ ذرّه‏اى ستم نمى‏كند و اگر [آن ذرّه كارِ] نيكى باشد، دوچندانش مى‏كند و از نزد خويش پاداشى بزرگ مى‏بخشد\*(نساء:40-39)

آیات مربوط به این موضوع́ فراوانند[[12]](#footnote-12) و ما به ذکر آیه فوق بسنده می­کنیم.

اجر، بی­خوفی و بی­حزنی، و تکفیر (پوشانیده شدن) گناهان

طبق آیات قرآن، برای انفاق­کنندگان́ پاداش در نظر گرفته شده است. همچنین، آنان نه خوفی خواهند داشت و نه اندوهگین خواهند شد و گناهانشان نیز پوشانده خواهد شد:

الَّذِينَ يُنفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ فىِ سَبِيلِ اللَّهِ ثُمَّ لَا يُتْبِعُونَ مَا أَنفَقُواْ مَنًّا وَ لَا أَذًى لَّهُمْ أَجْرُهُمْ عِندَ رَبِّهِمْ وَ لَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَ لَا هُمْ يَحْزَنُونَ (262) ... إِن تُبْدُواْ الصَّدَقَاتِ فَنِعِمَّا هِىَ وَ إِن تُخْفُوهَا وَ تُؤْتُوهَا الْفُقَرَاءَ فَهُوَ خَيرْ لَّكُمْ وَ يُكَفِّرُ عَنكُم مِّن سَيِّاتِكُمْ وَ اللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ(271) ... الَّذِينَ يُنفِقُونَ أَمْوَالَهُم بِالَّيْلِ وَ النَّهَارِ سِرًّا وَ عَلَانِيَةً فَلَهُمْ أَجْرُهُمْ عِندَ رَبِّهِمْ وَ لَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَ لَا هُمْ يَحْزَنُونَ(274)\* ؛ كسانى كه اموالِ خود را در راه خدا انفاق مى‏كنند، سپس در پىِ آنچه انفاق كرده‏اند، منّت و آزارى روا نمى‏دارند، پاداش آنان برايشان نزد پروردگارشان [محفوظ] است و بيمى بر آنان نيست و اندوهگين نمى‏شوند (262) ... اگر صدقه‏ها را آشكار كنيد، اين كارِ خوبى است، و اگر آن را پنهان داريد و به مستمندان بدهيد، اين براى شما بهتر است و بخشى از گناهانتان را مى‏زدايد، و خداوند به آنچه انجام مى‏دهيد آگاه است (271) ... كسانى كه اموال خود را شب و روز، و نهان و آشكارا انفاق مى‏كنند، پاداش آنان نزد پروردگارشان براى آنان خواهد بود و نه بيمى بر آنان است و نه اندوهگين مى‏شوند (274).\*(بقره:274-262)

مغفرت، رحمت، فضل (فزونی) و حکمت

مغفرت، رحمت، فزونی و نیز اعطای حکمت́ وعدۀ دیگری است که به انفاق­کنندگان داده شده است:[[13]](#footnote-13)

الشَّيْطَانُ يَعِدُكُمُ الْفَقْرَ وَ يَأْمُرُكُم بِالْفَحْشَاءِ وَ اللَّهُ يَعِدُكُم مَّغْفِرَةً مِّنْهُ وَ فَضْلًا وَ اللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ \* يُؤْتىِ الْحِكْمَةَ مَن يَشَاءُ وَ مَن يُؤْتَ الْحِكْمَةَ فَقَدْ أُوتىِ خَيرْا كَثِيرًا وَ مَا يَذَّكَّرُ إِلَّا أُوْلُواْ الْأَلْبَابِ \* وَ مَا أَنفَقْتُم مِّن نَّفَقَةٍ أَوْ نَذَرْتُم مِّن نَّذْرٍ فَإِنَّ اللَّهَ يَعْلَمُهُ وَ مَا لِلظَّالِمِينَ مِنْ أَنصَارٍ\* ؛ شيطان شما را از تهيدستى بيم مى‏دهد و شما را به زشتى وامى‏دارد و[لى‏] خداوند از جانب خود به شما وعدۀ آمرزش و بخشش مى‏دهد، و خداوند گشايش­گرِ داناست\* [خدا] به هر كس كه بخواهد، حكمت مى‏بخشد، و به هر كس حكمت داده شود، به­يقين، خيرى فراوان داده شده است و جز خردمندان كسى پند نمى‏گيرد \* و هر نفقه‏اى را كه انفاق، يا هر نذرى را كه عهد كرده‏ايد، قطعاً خداوند آن را مى‏داند، و براى ستمكاران هيچ ياورى نيست.\*(بقره:270-268)

پاداش بر اساسِ بهترین اعمال

در آیات قبل­تر هم دیدیم که خدا به انفاق­کنندگان وعدۀ پاداش داده است. امّا در آیۀ زیر کیفیّت این پاداش بیان شده و خدا پاداشی را که به بهترین اعمالِ فرد خواهد داد، به عنوان پاداشِ انفاق ذکر می­کند؛ یعنی، پاداشی فراتر از عمل:

وَ لا يُنْفِقُونَ نَفَقَةً صَغيرَةً وَ لا كَبيرَةً وَ لا يَقْطَعُونَ وادِياً إِلاَّ كُتِبَ لَهُمْ لِيَجْزِيَهُمُ اللَّهُ أَحْسَنَ ما كانُوا يَعْمَلُونَ ؛ و هيچ مال كوچك و بزرگى را انفاق نمى‏كنند و هيچ وادي را نمى‏پيمايند مگر اينكه به حساب آنان نوشته مى‏شود تا خدا آنان را به بهتر از آنچه مى‏كردند، پاداش دهد.(توبه:121)

عاقبت نیکو و بهشت

بزرگ­ترین پاداشی که برای انفاق­کنندگان در نظر گرفته شده است، سرانجامِ نیکو و ورود آنان به بهشت برینِ الهی است:

وَ الَّذِينَ صَبرَواْ ابْتِغَاءَ وَجْهِ رَبهِّمْ وَ أَقَامُواْ الصَّلَوةَ وَ أَنفَقُواْ مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ سِرًّا وَ عَلَانِيَةً وَ يَدْرَءُونَ بِالحْسَنَةِ السَّيِّئَةَ أُوْلَئكَ لهَمْ عُقْبىَ الدَّارِ \* جَنَّاتُ عَدْنٍ يَدْخُلُونهَا وَ مَن صَلَحَ مِنْ ءَابَائهِمْ وَ أَزْوَاجِهِمْ وَ ذُرِّيَّاتهِمْ وَ الْمَلَئكَةُ يَدْخُلُونَ عَلَيهْم مِّن كلُ‏ بَابٍ \* سَلَامٌ عَلَيْكمُ بِمَا صَبرَتمُ‏ فَنِعْمَ عُقْبىَ الدَّارِ\* ؛ و كسانى كه براى طلب خشنودىِ پروردگارشان شكيبايى كردند و نماز برپا داشتند و از آنچه روزي­شان داديم، نهان و آشكارا انفاق كردند و بدى را با نيكى مى‏زدايند، ايشان راست فرجام خوشِ سراى باقى \* [همان‏] بهشت­هاى عَدن كه آنان با پدرانشان و همسرانشان و فرزندانشان كه درست­كارند، در آن داخل مى‏شوند و فرشتگان از هر درى بر آنان درمى‏آيند \* [و به آنان مى‏گويند:] درود بر شما به [پاداش‏] آنچه صبر كرديد. راستى! چه نيكوست فرجامِ آن سراى!\*(رعد:24-22)

جمع­بندی آثار و نتایج انفاق

طبق آیات فوق، این نتایج برای انفاق برشمرده شده­اند:

* بازگردانده شدن کامل (توفیۀ) مال انفاق­شده.
* مُضاعَف شدن و وسعت مال.
* اجر عظیم.
* مغفرت.
* فضل.
* رحمت.
* بی­خوفی و بی­حزنی.
* تکفیر (پوشانده شدن) گناهان.
* ایتای حکمت.
* عاقبت نیکو و بهشت.

موانع انفاق

از جملۀ اموری که در ترویج فرهنگ قرآنی انفاق باید بدانها توجّه کرد این است که چه عواملی سبب می­شوند که برخی انسان­ها از انفاق دوری کنند؟ در اینجا آیاتی را بیان خواهیم کرد که در آنها به عواملی پرداخته­ شده که سبب می­شوند که فرد از بذل مال و انفاق فاصله گیرد. این عوامل عبارتند از:

حرص مال

یکی از موانع انفاق́ حِرص شدید به مال دنیا است که ناشی از ضعف در نگرش افراد است. به عنوان مثال، به این آیه توجّه کنید:

فَاتَّقُوا اللَّهَ مَا اسْتَطَعْتُمْ وَ اسْمَعُوا وَ أَطيعُوا وَ أَنْفِقُوا خَيْراً لِأَنْفُسِكُمْ وَ مَنْ يُوقَ شُحَّ نَفْسِهِ فَأُولئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ؛پس، تا مى‏توانيد از خدا پروا بداريد و بشنويد و فرمان ببريد و مالى براى خودتان [در راه خدا] انفاق كنيد، و كسانى كه از خسّت نفسِ خويش مصون مانند، آنان رستگارانند.(تغابن:16)

*راغب* مى‏گويد: كلمۀ «شُح» به معناى بخل توأم با حرص است، البتّه نه در يك مورد، بلكه در صورتى كه عادت شده باشد(راغب اصفهانی، 1412ق). كلمۀ «يوقَ» كه در اصل «يوقى» بوده، مضارعِ مجهول از مصدرِ «وقايه» است كه به معناى «حفظ كردن» است. لذا، معناى آيه چنين است: هر كس كه خدا او را از شرّ تنگ­چشمى و بخل حفظ فرماید، نه خودش از بذلِ مال مضايقه دارد، و نه از اينكه ديگران مال­دار شوند، ناراحت مى‏شود؛ چنين كسانى رستگارند(طباطبایی، 1374، ج ‏19، صص 358-357).

پس، حرص به مال یکی از رذیلت­هایی است که مانع می­شود که انسان́ اهل انفاق باشد.

بخل

بخل یکی دیگر از موانع انفاق است و تفاوت آن با حرص به مال در این است که در حرص́ بیش­تر علاقه به کسب مالِ بیشتر لحاظ شده است و در بخل́ بیش­تر علاقه به نگهداری و خرج­ نکردن مال مطرح است.

إِنَّمَا الحْيَوةُ الدُّنْيَا لَعِبٌ وَ لَهْوٌ وَ إِن تُؤْمِنُواْ وَ تَتَّقُواْ يُؤْتِكمُ‏ أُجُورَكُمْ وَ لَا يَسْلْكُمْ أَمْوَالَكُمْ \* إِن يَسْألْكُمُوهَا فَيُحْفِكُمْ تَبْخَلُواْ وَ يخُرِجْ أَضْغَانَكمُ ‏\* هَاأَنتُمْ هَؤُلَاءِ تُدْعَوْنَ لِتُنفِقُواْ فىِ سَبِيلِ اللَّهِ؛ فَمِنكُم مَّن يَبْخَلُ وَ مَن يَبْخَلْ فَإِنَّمَا يَبْخَلُ عَن نَّفْسِهِ وَ اللَّهُ الْغَنىِ‏ وَ أَنتُمُ الْفُقَرَاءُ وَ إِن تَتَوَلَّوْاْ يَسْتَبْدِلْ قَوْمًا غَيرْكُمْ ثُمَّ لَا يَكُونُواْ أَمْثَالَكمُ\* ؛ زندگى اين دنيا لهو و لعبى بيش نيست، و اگر ايمان بياوريد و پروا بداريد، [خدا] پاداش شما را مى‏دهد و اموالتان را [در عوض‏] نمى‏خواهد \* اگر [اموال‏] شما را بخواهد و به اصرار از شما طلب كند، بخل مى‏ورزيد، و كينه‏هاى شما را برملا مى‏كند \* شما همان [مردمى‏] هستيد كه براى انفاق در راه خدا فرا خوانده شده‏ايد. پس، برخى از شما بخل مى‏ورزند، و هر كس بخل ورزد، تنها به زيان خود بخل ورزيده، و [گرنه‏] خدا بى‏نياز است و شما نيازمنديد و اگر روى برتابيد، [خدا] جاى شما را به مردمى غير از شما خواهد داد كه مانند شما نخواهند بود\*(محمد:38-36)

ترس از فقر

یکی دیگر از موانع انفاق́ بی­اعتمادی به وعده­های الهی و ترس از فقر است؛ یعنی، فرد می­ترسد که مبادا با بذل مال، خودش دچار فقر شود و نیازمند شود. این امر́ فریب شیطان است و در آیۀ زیر چنین بیان شده است:

الشَّيْطَانُ يَعِدُكُمُ الْفَقْرَ وَ يَأْمُرُكُم بِالْفَحْشَاءِ وَ اللَّهُ يَعِدُكُم مَّغْفِرَةً مِّنْهُ وَ فَضْلًا وَ اللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ \* يُؤْتىِ الْحِكْمَةَ مَن يَشَاءُ وَ مَن يُؤْتَ الْحِكْمَةَ فَقَدْ أُوتىِ‏ خَيرْا كَثِيرًا وَ مَا يَذَّكَّرُ إِلَّا أُوْلُواْ الْأَلْبَابِ \* وَ مَا أَنفَقْتُم مِّن نَّفَقَةٍ أَوْ نَذَرْتُم مِّن نَّذْرٍ فَإِنَّ اللَّهَ يَعْلَمُهُ وَ مَا لِلظَّالِمِينَ مِنْ أَنصَارٍ\* ؛ شيطان، شما را از تهيدستى بيم مى‏دهد و شما را به زشتى وامى‏دارد و[لى‏] خداوند از جانب خود به شما وعدۀ آمرزش و بخشش مى‏دهد، و خداوند گشايش­گرِ داناست \* [خدا] به هر كس كه بخواهد، حكمت مى‏بخشد، و به هر كس حكمت داده شود، به­يقين، خيرى فراوان داده شده است و جز خردمندان كسى پند نمى‏گيرد \* و هر نفقه‏اى را كه انفاق، يا هر نذرى را كه عهد كرده‏ايد، قطعاً خداوند آن را مى‏داند، و براى ستمكاران هيچ ياورى نيست.\*(بقره:270-268)

تنگ­نظری

یکی دیگر از موانع انفاق́ تنگ­نظری است؛ یعنی، فرد از گشاده­نظری که بر اساسش خیر را برای همه بخواهد، برخوردار نیست و خودش را بر هر کس دیگری ترجیح می­دهد. این خودپسندی́ او را به بخل می­کشاند و از انفاق دور می­سازد. دربارۀ تنگ­نظری می­خوانیم:

قُلْ لَوْ أَنْتُمْ تَمْلِكُونَ خَزائِنَ رَحْمَةِ رَبِّي إِذاً لَأَمْسَكْتُمْ خَشْيَةَ الْإِنْفاقِ وَ كانَ الْإِنْسانُ قَتُوراً ؛ بگو: اگر شما مالك گنجينه‏هاى رحمت پروردگارم بوديد، باز هم از بيمِ خرج­كردن قطعاً امساك مى‏ورزيديد، و انسان همواره بخيل است.(اسراء:100)

به تعبیر طباطبایی، «كلمۀ "قتور" به معناى "بخيل" تفسير شده، البتّه، بخيلى كه بخل را به نهايت رسانده باشد، و در *مجمع البيان* گفته: كلمۀ "قَتَر" به معناى تنگى است، و قَتور مبالغه در همان معنا است ... كه فلانى در خرج كردن امساك مى‏كند».(طباطبایی، 1374، ج ‏13، ص 293)

باورهای خطا و مسؤولیّت­ناپذیری

یکی دیگر از موانع انفاق́ این است که مسؤولیّت­پذیری اجتماعی در انسان­ها کم­تر شود و هر کسی فقط به فکر منافع خودش باشد. این را به این باور خطا بیفزایید که برخی برای توجیه تنگ­نظری خود و برای شانه خالی کردن از زیر بار مسؤولیّتشان بیان می­کردند که اگر فقرا شایستگی داشتند، خدا خودش به آنان عطا می­کرد. این مطلب در آیۀ زیر آمده است:

وَ إِذا قيلَ لَهُمْ أَنْفِقُوا مِمَّا رَزَقَكُمُ اللَّهُ قالَ الَّذينَ كَفَرُوا لِلَّذينَ آمَنُوا أَنُطْعِمُ مَنْ لَوْ يَشاءُ اللَّهُ أَطْعَمَهُ إِنْ أَنْتُمْ إِلاَّ في‏ ضَلالٍ مُبينٍ ؛ و چون به آنان گفته شود: «از آنچه خدا به شما روزى داده انفاق كنيد»، كسانى كه كافر شده‏اند، به آنان كه ايمان آورده‏اند، مى‏گويند: آيا كسى را بخورانيم كه اگر خدا مى‏خواست، [خودش‏] وى را مى‏خورانيد؟ شما جز در گمراهىِ آشكارى [بيش‏] نيستيد.(یس:47)

دوری از ذکر خدا و تعلّق شدید به اموال و اولاد

یکی دیگر از اموری که مانع انفاق می­شود تعلّق شدید به اموال و فرزندان است، به گونه­ای که مال́ اصالت می­یابد و فرد فقط جمع می­کند که داشته باشد. همچنین، فرزندان و آیندۀ آنان چندان اصالت می­یابد که فرد را از اندیشیدن به وضعیّت معیشت و زندگی انسان­های دیگر غافل می­کند. در آیه­ای از قرآن در این باره می­خوانیم:

يَأَيهُّا الَّذِينَ ءَامَنُواْ لَا تُلْهِكمُ‏ أَمْوَالُكُمْ وَ لَا أَوْلَادُكُمْ عَن ذِكْرِ اللَّهِ وَ مَن يَفْعَلْ ذَالِكَ فَأُوْلَئكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ \* وَ أَنفِقُواْ مِمَّا رَزَقْنَاكُم مِّن قَبْلِ أَن يَأْتى أَحَدَكُمُ الْمَوْتُ فَيَقُولَ رَبّ‏ لَوْ لَا أَخَّرْتَنىِ إِلىَ أَجَلٍ قَرِيبٍ فَأَصَّدَّقَ وَ أَكُن مِّنَ الصَّالِحِينَ\* ؛ اى كسانى كه ايمان آورده‏ايد، [زنهار!] اموال شما و فرزندانتان شما را از ياد خدا غافل نگرداند، و هر كس چنين كند، آنان خود زيانكارانند \* و از آنچه روزىِ شما گردانيده‏ايم، انفاق كنيد، پيش از آنكه يكى از شما را مرگ فرا رسد و بگويد: پروردگارا! چرا تا مدّتى بيشتر [اجل‏] مرا به تأخير نينداختى تا صدقه دهم و از نيكوكاران باشم؟\*(منافقون:10-9)

تکبّر و فخرفروشی

طبق برخی آیات قرآن، یکی دیگر از موانع انفاق́ تکبّر و فخرفروشی است. به عنوان مثال، به این آیات توجّه کنید:

وَ اعْبُدُواْ اللَّهَ وَ لَا تُشرْكُواْ بِهِ شَيْا وَ بِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا وَ بِذِى الْقُرْبىَ‏ وَ الْيَتَامَى‏ وَ الْمَسَاكِينِ وَ الجْارِ ذِى الْقُرْبىَ‏ وَ الجْارِ الْجُنُبِ وَ الصَّاحِبِ بِالْجَنبِ وَ ابْنِ السَّبِيلِ وَ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ؛ إِنَّ اللَّهَ لَا يحُبُّ مَن كَانَ مخُتَالًا فَخُورًا \* الَّذِينَ يَبْخَلُونَ وَ يَأْمُرُونَ النَّاسَ بِالْبُخْلِ وَ يَكْتُمُونَ مَا ءَاتَئهُمُ اللَّهُ مِن فَضْلِهِ وَ أَعْتَدْنَا لِلْكَفِرِينَ عَذَابًا مُّهِينًا \* وَ الَّذِينَ يُنفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ رِئَاءَ النَّاسِ وَ لَا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَ لَا بِالْيَوْمِ الاَخِرِ وَ مَن يَكُنِ الشَّيْطَانُ لَهُ قَرِينًا فَسَاءَ قَرِينًا \* وَ مَا ذَا عَلَيهْمْ لَوْ ءَامَنُواْ بِاللَّهِ وَ الْيَوْمِ الاَخِرِ وَ أَنفَقُواْ مِمَّا رَزَقَهُمُ اللَّهُ وَ كاَنَ اللَّهُ بِهِمْ عَلِيمًا \* إِنَّ اللَّهَ لَا يَظْلِمُ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ وَ إِن تَكُ حَسَنَةً يُضَاعِفْهَا وَ يُؤْتِ مِن لَّدُنْهُ أَجْرًا عَظِيمًا\* ؛ و خدا را بپرستيد، و چيزى را با او شريك مگردانيد و به پدر و مادر احسان كنيد و درباره­ی خويشاوندان و يتيمان و مستمندان و همسايۀ خويش و همسايۀ بيگانه و همنشين و درراه‏مانده و بردگانِ خود [نيكى كنيد]، كه خدا كسى را كه متكبّر و فخرفروش است، دوست نمى‏دارد: \* همان كسانى كه بخل مى‏ورزند، و مردم را به بخل وامى‏دارند، و آنچه را خداوند از فضل خويش بدان­ها ارزانى داشته، پوشيده مى‏دارند؛ و براى كافران عذابى خواركننده آماده كرده‏ايم \* و كسانى كه اموالشان را براى نشان‏دادن به مردم انفاق مى‏كنند و به خدا و روز بازپسين ايمان ندارند؛ و هر كس شيطان يار او باشد، چه بد همدمى است \* و اگر به خدا و روز بازپسين ايمان مى‏آوردند و از آنچه خدا به آنان روزى داده، انفاق مى‏كردند، چه زيانى برايشان داشت؟ و خدا به [كارِ] آنان داناست \* در حقيقت، خدا هم‏وزنِ ذرّه‏اى ستم نمى‏كند و اگر [آن ذرّه كارِ] نيكى باشد، دوچندانش مى‏كند و از نزد خويش پاداشى بزرگ مى‏بخشد.\*(نساء:40-36)

همان­طور که می­بینید، در وصفِ متکبّرانِ فخرفورش به وجود بخل در آنان اشاره شده است.

مفاهیم مرتبط با حوزه معناییِ انفاق در قرآن

با مطالعۀ برخی آیات قرآن درمی­یابیم که مفهوم قرآنیِ «انفاق» با برخی مفاهیم اساسی دیگر در قرآن حوزۀ معنایی مرتبط دارد، به نحوی که انفاق یکی از مؤلّفه­های اصلی در ساختمان معنایی آن مفاهیم قرآنی محسوب می­شود. بر اساس آیاتی که در ادامه می­آیند، مفهومِ «انفاق» جایگاه مهمّی در ساختمان معنایی مفاهیمی چون ایمان، تقوا، احسان و اِخبات دارد. اکنون به بررسی این آیات می­پردازیم:

انفاق؛ یکی از مؤلّفه­های ایمان

یکی از اوصاف اهل ایمان در قرآن انفاق است، به طوری که گویی نمی­توان بدون برخورداری از فضیلتِ «انفاق» ادّعای ایمان داشتن کرد. به عنوان مثال، در آیۀ زیر انفاق از ویژگی­های اصلی مؤمنان حقیقی قلمداد شده است:

إِنَّمَا الْمؤمنونَ الَّذِينَ إِذَا ذُكِرَ اللَّهُ وَجِلَتْ قُلُوبهُمْ وَ إِذَا تُلِيَتْ عَلَيهْمْ ءَايَاتُهُ زَادَتهْمْ إِيمَانًا وَ عَلىَ‏ رَبِّهِمْ يَتَوَكلَّونَ \* الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَوةَ وَ مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنفِقُونَ \* أُوْلَئكَ هُمُ الْمؤمنونَ حَقًّا؛ لَهُمْ دَرَجَاتٌ عِندَ رَبِّهِمْ وَ مَغْفِرَةٌ وَ رِزْقٌ كَرِيمٌ\* ؛ مؤمنان همان كسانى‏اند كه چون خدا ياد شود، دل­هايشان بترسد، و چون آيات او بر آنان خوانده شود، بر ايمانشان بيفزايد، و بر پروردگار خود توكّل مى‏كنند \* همانان كه نماز را به پا مى‏دارند و از آنچه به ايشان روزى داده‏ايم انفاق مى‏كنند \* آنان هستند كه حقّاً مؤمنند؛ براى آنان نزد پروردگارشان درجات و آمرزش و روزىِ نيكو خواهد بود.\*(انفال:4-2)

پس، انفاق یکی از مؤلّفه­های اصلی ایمان محسوب می­شود. آیات دیگری نیز در قرآن وجود دارند که در آنها به این مطلب اشاره شده ­است.[[14]](#footnote-14)

انفاق، یکی از مؤلّفه­های تقوا

در آیات قرآن، هنگام وصفِ تقواپیشگان به انفاق­کردنِ آنان اشاره شده است. به عنوان مثال، در قرآن می­خوانیم:

ذَالِكَ الْكِتَبُ لَا رَيْبَ فِيهِ؛ هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ \* الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ وَ يُقِيمُونَ الصَّلَوةَ وَ ممِّا رَزَقْنَاهُمْ يُنفِقُونَ.\* ؛ اين است كتابى كه در [حقّانيّت‏] آن هيچ ترديدى نيست [و] مايۀ هدايت تقواپيشگان است: \* آنان كه به غيب ايمان مى‏آورند، و نماز را بر پا مى‏دارند، و از آنچه به ايشان روزى داده‏ايم انفاق مى‏كنند.\*(بقره:3-2)

پس، انفاق یکی از مؤلّفه­های اصلی تقواست.[[15]](#footnote-15)

انفاق؛ یکی از مؤلّفه­های احسان

در وصف محسنان نیز انفاق جایگاه والایی دارد و نیل به احسان بدون برخورداری از انفاق ممکن نیست. به عنوان مثال، در آیه­ای از قرآن آمده است:

وَ سَارِعُواْ إِلىَ‏ مَغْفِرَةٍ مِّن رَّبِّكُمْ وَ جَنَّةٍ عَرْضُهَا السَّمَاوَاتُ وَ الْأَرْضُ، أُعِدَّتْ لِلْمُتَّقِينَ \* الَّذِينَ يُنفِقُونَ فىِ السَّرَّاءِ وَ الضرَّاءِ وَ الْكَاظِمِينَ الْغَيْظَ وَ الْعَافِينَ عَنِ النَّاسِ وَ اللَّهُ يحُبُّ الْمُحْسِنِينَ\* ؛و براى نيل به آمرزشى از پروردگار خود، و بهشتى كه پهنايش [به قدرِ] آسمان­ها و زمين است [و] براى پرهيزگاران آماده شده است، بشتابيد! \* همانان كه در فراخى و تنگى انفاق مى‏كنند و خشم خود را فرو مى‏برند و از مردم درمى‏گذرند و خداوند نكوكاران را دوست دارد.\*(آل­عمران:134-133)

در آیات فوق́ تقواپیشگان وصف شده­اند و، سپس، کسانی که مجموع این واوصاف را دارند، «مُحسن» نامیده شده­اند. پس، انفاق از مؤلّفه­های اصلی احسان نیز به شمار می­آید.[[16]](#footnote-16)

انفاق؛ یکی از مؤلّفه­های اِخبات

«اِخبات» عبارت است از نرمی و تذلّل در برابر خدا، در عین استحکام شخصیّتی. به بیان علامه طباطبایی، منظور از اخبات مؤمنين به سوى خدا، اطمينان و آرامش يافتنشان به ياد او و تمايل دل­هايشان به سوى او است، به طورى كه ايمان درون دلشان متزلزل نگشته، به اين سو و آن سو منحرف نشوند و دچار ترديد نگردند، همان­طور كه زمين محكم اين چنين است، و اشيايى را كه بر گرده­ی خود دارد نمى‏لغزاند(طباطبائی، 1374،ج‏10، ص287). جالب­توجّه است که، طبق آیۀ زیر، یکی از ویژگی­های مُخبتان́ انفاق در راه خداست:

... وَ بَشِّرِ الْمُخْبِتِينَ \* الَّذِينَ إِذَا ذُكِرَ اللَّهُ وَجِلَتْ قُلُوبُهُمْ وَ الصَّابرِينَ عَلىَ‏ مَا أَصَابهَمْ وَ الْمُقِيمِى الصَّلَوةِ وَ ممِّا رَزَقْنَاهُمْ يُنفِقُونَ\* ؛ .... و فروتنان را بشارت ده \* همانان كه چون [نام‏] خدا ياد شود، دل­هايشان خشيت يابد و [آنان كه‏] بر هر چه بر سرشان آيد، صبرپيشگانند و برپادارندگان نمازند، و از آنچه روزي­شان داده‏ايم انفاق مى‏كنند.\*(حج:35-34)

پس، انفاق از مؤلّفه­های اِخبات نیز هست.

جمع­بندی و نتیجه­گیری

در مقالۀ حاضر کوشیدیم تا یکی از عوامل مؤثّر فرهنگی در ایّام همه­گیری کوویدِ 19 را با استفاده از آیات قرآنی بیان و بررسی کنیم. مفهوم قرآنیِ «انفاق» می­تواند همواره در طول زندگی انسان، به­ویژه در ایّام ابتلائات خاصّی چون کوویدِ 19، تاثیر مهمّی در ایجاد انسجام اجتماعی بین مومنان و کاهش آلام انسان­ها در فشارهای اقتصادی و معیشتی بگذارد. اکنون پرسش این است که بر اساس آیات قرآن، انفاق بایستی با چه کیفیتی و با لحاظ چه لوازمی به جامعه معرفی گردد. در این مقاله به نتایج زیر دربارۀ الزامات فرهنگِ انفاق در قرآن دست یافتیم:

* انفاق باید فقط در راه خدا و برای کسب رضای او باشد.
* انگیزه­های شخص انفاق­کننده نقش بسزایی در انفاق دارند و انفاق نامؤمنان پذیرفته نمی­شود.
* انفاق باید به دور از منّت، اذیّت و ریا باشد.
* در انفاق باید طریق اعتدال پیمود و، لذا، نه اسراف در انفاق پذیرفتنی است و نه بخل.
* بهترین انفاق́ انفاق به­موقع و سریع است.
* انفاق پنهانی بهتر از انفاق آشکاراست و موجب حفظ آبروی کسانی می­شود که به آنان انفاق می­شود..
* بر انفاق باید نگاه توحیدی حاکم باشد و انفاق­کننده بداند که از مالی که خدا در اختیار او قرار داده است، می­بخشد و او فقط وسیله است.
* واسطه­گری در انفاق بسیار مهمّ است و اگر کسی خودش هم توان انفاق نداشته باشد، می­تواند از این طریق در این فرهنگ انفاق مشارکت کند.
* انفاق باید از طیّب­ها و محبوب­ها انجام شود و انفاق از چیزهای کم­ارزش شایسته نیست.

همچنین، آثار و نتایج انفاق را از آیات قرآن استخراج کردیم. بیان این آثار و نتایج دنیوی و اخروی کمک خواهد کرد تا فرهنگ انفاق، بیش از پیش، توسعه و ترویج یابد. اهمّ آثار و نتایج انفاق در آقرآن از این قرارند:

* بازگردانده شدن کامل (توفیۀ) مال انفاق­شده.
* مُضاعَف شدن و وسعت مال.
* اجر عظیم.
* مغفرت.
* فضل.
* رحمت.
* بی­خوفی و بی­حزنی.
* تکفیر (پوشانیده شدن) گناهان.
* ایتای حکمت.
* عاقبت نیکو و بهشت.

علاوه بر این، در این مقاله برخی موانع انفاق را که عمدتاً موانع روانی و تربیتی در ساختمان شخصیتی افرادند و به نوع نگرش آنان مربوطند، از آیات قرآن استخراج کردیم. این موانع عبارتند از:

* حرص به مال
* بخل
* ترس از فقر
* تنگ­نظری
* باورهای خطا و مسؤولیت­ناپذیری
* دوری از ذکر خدا و تعلّق شدید به اموال و اولاد
* تکبّر و فخرفروشی

سرانجام، با اشاره به اهمّیّت انفاق بیان کردیم که برخی مفاهیم اساسی در قرآن با حوزۀ معنایی انفاق در قرآن ارتباط مستقیم دارند و انفاق در ساختمان معنایی آنها جایگاه ویژه­ای دارد. در این باره گفتیم که مفهومِ «انفاق» جایگاه مهمّی در ساختمان معنایی مفاهیمی چون ایمان، تقوا، احسان و اِخبات دارد.

منابع

1. قرآن کریم. ترجمه مهدی فولادوند.
2. راغب اصفهانی، حسین بن محمد. *مفردات ألفاظ القرآن*. دمشق: دارالقلم. چاپ اول. (1412 قمری).
3. طباطبائی، محمدحسین. *المیزان فی تفسیر القرآن*، ترجمه­ی سیدمحمدباقر موسوی همدانی. جلدهای 2 و 10 و 13 و 19 . قم: دفتر انتشارات اسلامى جامعه‏ى مدرسين حوزه علميه قم. چاپ پنجم. (1374).

1. . نساء/34، طلاق/7-6 [↑](#footnote-ref-1)
2. . ممتحنه/11-10 [↑](#footnote-ref-2)
3. . نساء/37، توبه/77-75، محمد/387-37، حدید/24-23، لیل/11-8 [↑](#footnote-ref-3)
4. . انفال/36 [↑](#footnote-ref-4)
5. . توبه/54-53 [↑](#footnote-ref-5)
6. . نحل/75 [↑](#footnote-ref-6)
7. . به عنوان مثال، در: قصص/54-52 و شوری/39-36 [↑](#footnote-ref-7)
8. . بقره/273 [↑](#footnote-ref-8)
9. . بقره/215 [↑](#footnote-ref-9)
10. . نساء/34، طلاق/7-6 [↑](#footnote-ref-10)
11. . ممتحنه/11-10 [↑](#footnote-ref-11)
12. . به عنوان مثال، در: بقره/261، نساء/40-39، فاطر/30-29. [↑](#footnote-ref-12)
13. . در آیات 98 و 99 از سورۀ توبه نیز مغفرت و رحمت به عنوان پاداش انفاق بیان شده­اند. [↑](#footnote-ref-13)
14. . ابراهیم/31، سجده/16-15، حدید/7 [↑](#footnote-ref-14)
15. . آیات 17-15 سوره آل­عمران نیز برای تبیین این مطلب مفید­اند. [↑](#footnote-ref-15)
16. . آیۀ 195 از سورۀ بقره نیز می­تواند در این باره مفید باشد. [↑](#footnote-ref-16)